

حمایت کیفری از محیطبانان در امر به کارگیری سلاح (با رویکرد انتقادی به قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگل‌بانی مصوب ۱۳۹۹)

سید سجاد کاظمی

دانشیار، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران.

sskazemi92@malayeru.ac.ir

حامد چگینی (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران.

hamed.chegini@malayeru.ac.ir

قابل انتشار در دوره ۲۵، شماره ۶۷ (پاییز ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوقی

چکیده

مطابق ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی مصوب ۱۳۵۳/۰۳/۲۸ محیطبانان به‌عنوان ضابط خاص دادگستری محسوب می‌شوند لیکن در مقایسه با ضابطین عام از حمایت‌های قانونی لازم به‌ویژه در حوزه به‌کارگیری سلاح برخوردار نیستند. این موضوع تا حدی محسوس است که مقنن در سال ۱۳۹۹ در جهت رفع این خلاء، اقدام به تصویب قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت نمود و علاوه بر تأکید مجدد مبنی بر ضابط بودن مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست، با به‌کارگیری سلاح توسط این افراد در محدوده بندهای «۱»، «۲» و «۳» ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳ موافقت نمود. اهتمام قانونگذار در خصوص حمایت کیفری از محیطبانان کافی نبوده و مواردی همچون به‌کارگیری سلاح در خصوص پاسگاه محیط‌بانی، پیشگیری از فرار شکارچیان غیر مجاز یا مجرمین جرایم زیست محیطی، استفاده از سلاح در مقابله با قاچاقچیان و... از چالش‌های بحث‌برانگیز این قشر از ضابطین دادگستری مبنی بر عدم حمایت کافی در حوزه حقوق کیفری از محیطبانان می‌باشد.

در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تلاش می‌شود که به بررسی حمایت کیفری از محیطبانان در نظام حقوقی ایران پرداخته و در این راستا موانع و چالش‌های قانونی موجود را شناسایی و در جهت رفع آنها ارائه راهکار گردد. توسعه اختیارات محیطبانان در به‌کارگیری سلاح تا تمهیدات لازم در خصوص رسیدگی کیفری و همچنین برخورداری از معاضدت قضایی می‌تواند نمونه‌هایی از حمایت کیفری از محیطبانان محسوب شود.

واژگان کلیدی: محیط‌زیست، محیطبان، حمایت کیفری، به‌کارگیری سلاح، قانون

محیط‌زیست و حمایت از آن همواره یکی از دغدغه‌های مهم بشری بوده است. آن‌هم در دوره‌ای که با فعالیت‌های مختلفی چون شکار غیرمجاز، صید بی‌رویه، آتش‌سوزی و نظایر اینها لطمات جبران‌ناپذیری به آن وارد شده است. اهمیت این موضوع تا جایی است که در اصل پنجاهم قانون اساسی مقرر شده است؛ «در جمهوری اسلامی حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد...». علاوه بر این موضوع محیط‌زیست میراث مشترک بشر است و بخشی از حقوق نسل‌های آینده نیز محسوب می‌شود.^۱

در راستای حمایت از محیط‌زیست، جوامع بشری سیاست‌های مختص خود را دارند و سیاست‌ها غالباً با تقنین این موضوعات به مرحله اجرا می‌رسد. به‌عنوان نمونه در حقوق فرانسه با تصویب منشور اساسی محیط‌زیست در سال ۲۰۰۵ و اصلاحات آن در سال ۲۰۰۸ حقوق محیط‌زیست به رسمیت شناخته شد و حق حفاظت از محیط‌زیست وظیفه‌ای همگانی لحاظ شده است. در مقدمه منشور مذکور دولت و مردم مکلف به حفاظت از محیط‌زیست شده‌اند به نحوی که باید از این میراث مشترک بشر مانند سایر حقوق بنیادین ملت حفاظت به عمل آید.^۲ در ایران وظیفه اصلی برای حفاظت از محیط‌زیست برعهده مأمورانی است که با نام محیط‌بان شناخته می‌شوند.^۳ در توصیف مظلومیت محیط‌بانان چنین می‌توان گفت که محیط‌بانان قشری از نیروی انسانی جامعه محسوب می‌شوند که در ازای حقوقی اندک در مقابل تفریحات سرگرم‌کننده شکارچیان غیرمجاز و نقض‌کنندگان حقوق زیست‌محیطی در محیط‌هایی چون جنگل، کوه و دریا انجام‌وظیفه نموده و در مسیر حفاظت از این مناطق آرامش و آسایش خود را فدا می‌کنند. حتی بسیاری از این افراد در این راه به شهادت رسیده یا نقص عضو می‌شوند.^۴

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های محیط‌بانان ایرانی، عدم‌حمایت‌های مکفی قانونی خصوصاً حمایت‌کیفری از آنها است. حمایتی که بتواند این افراد را در حوزه کاری خود مصمم‌تر کرده تا به پشتوانه آن بتوانند خدمات بهتری در حوزه محیط‌زیست ارائه دهند. در نظام حقوقی ایران، از اردیبهشت ۱۳۰۷ که اولین قانون در باب شکار، تدوین و تصویب شد. پیرو آن بعدها در سال ۱۳۳۵ مقررات به نسبت جامع‌تری در حفاظت از محیط‌زیست به تصویب مجلس وقت رسید و کانون شکار و صید تشکیل شد. متعاقباً در ۱۶ خرداد ۱۳۴۶ سازمان شکاربانی و نظارت بر صید جایگزین کانون شکار گردید که در سال ۱۳۵۰ عنوان این سازمان به سازمان محیط‌زیست تغییر پیدا کرد. تا به امروز یک بحث مغفول و یک حلقه مفقوده به نام حمایت‌کیفری از محیط‌بانان در قوانین مربوط به حفظ و نگهداری از محیط‌زیست به چشم می‌خورد.^۵ علیرغم اینکه جوامع مختلف و به تبع آن کشور ما در جهت حمایت از محیط‌زیست و کاهش آثار سوء فعالیت‌های بشر در این محیط اقدام به قانونگذاری در موارد متعدد نموده‌اند لیکن ثمره این اقدامات بیشتر در حوزه حقوق مدنی و حقوق اداری بروز پیدا کرده است و طبیعتاً با توجه به گستردگی و آمار جرایم

۱. Van der vyer, J. D.» The Environment: State Sovereignty, Human Rights and Armed Conflict, Emory International» Law Review, Vol. ۸۳، (۲۰۰۹)، ۸۵-۱۱۲، ۸۳.

۲. محمدجواد حسینی، «بازبینی مفاهیم محیط‌زیستی قانون اساسی ایران و فرانسه» مجله جغرافیا و روابط انسانی، ۱، ۲ (۱۳۹۷)، ۱۶۵۶.

۳. سعیده لطفیان و صدیقه نصری فخر داود، «سیاست‌گذاری محیط‌زیست در ایران، چالش‌ها و راه‌حل‌ها»، فصلنامه سیاست، ۱، (۱۳۹۷)، ۱۱۰.

۴ - <https://www.mehrnews.com/news/5185784/>

۵. ابوالقاسم ابراهیمی، علیرضا حسینی و ابوالفضل رحمانی ثانی، «مروری بر قوانین حقوقی حمایتی از محیط‌بانان، حلقه مفقوده از حافظان بی‌حفاظ محیط‌زیست»، فصلنامه انسان و محیط‌زیست، ۴۱، (۱۳۹۵)، ۱۲۵.

زیست‌محیطی^۶، عدم بازدارندگی ضمانت‌های مدنی و اداری کاملاً مشهود است.^۷ آثار عدم‌حمایت کافی از محیط‌بانان و خلاءهای قانونی در این زمینه می‌تواند دست شکارچیان غیرمجاز و ناقضان حقوق بشر را برای آسیب به محیط‌زیست و تهدیدهای جانی محیط‌بانان باز گذاشته و لطمات جبران‌ناپذیری در این خصوص به دنبال داشته باشد؛ بنابراین تأکید بر حمایت کیفری از محیط‌زیست و محیط‌بانان امری ضروری به شمار می‌آید.

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای درصدد پاسخ به این پرسش‌ها است که آیا حقوق کیفری ایران تدابیر حمایتی قانونی و قضایی را برای محیط‌بانان متناسب با موقعیت مخاطره‌آمیز شغلی این افراد، پیش‌بینی کرده است؟ همچنین آیا میزان حمایت‌های قانونی در نظر گرفته‌شده اعم از حمایت‌های کیفری و غیر کیفری در راستای حمایت از محیط‌بانان خصوصاً در بحث بکارگیری سلاح با تصویب قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگل‌بانی مصوب ۱۳۹۹ کفایت می‌کند؟ و همچنین محیط‌بانان به‌عنوان ضابطین خاص دادگستری در انجام امور محوله و به‌تبع آن در بحث بکارگیری سلاح با چه چالش‌های قانونی مواجه‌اند. در ابتدا و در راستای پاسخگویی به پرسش تحقیق لازم است مفهوم و اختیارات محیط‌بانان به‌عنوان ضابط دادگستری موردبررسی قرار گیرد.

۱. محیط‌بان به‌عنوان ضابط؛ مفهوم و اختیارات

طبق بررسی‌های به عمل آمده، حفاظت از محیط‌زیست نیازمند اقدامات بازدارنده است و در کنار آن اقدامات حمایتی نیز لازم است.^۸ اجرای بخش عمده‌ای از حمایت‌ها از محیط‌زیست توسط قشری از ضابطین دادگستری یعنی محیط‌بانان عملی می‌شود.^۹ مطابق با ماده ۴ دستورالعمل خدمتی گارد محیط‌زیست که به استناد ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرائی قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست تدوین شده است، محیط‌بان عبارت از: «کسی است که مسئولیت اجرای قوانین و مقررات شکار و صید و حفاظت و بهسازی محیط‌زیست را در سطح حوزه استحفاظی خود بر عهده داشته و در زمینه حفاظت از حیات‌وحش، اکوسیستم، جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست، ممانعت از تجاوز به مناطق تحت کنترل سازمان و منابع طبیعی در حوزه استحفاظی خود اقدام می‌نماید. محیط‌بانان از بالا به پایین شامل رده‌های سرمحیط‌بان و محیط‌بان یکم تا محیط‌بان سوم می‌باشد». مطابق با ماده ۵ دستورالعمل مذکور شکاربان نیز به‌عنوان کمک محیط‌بان محسوب می‌شود و منظور از شکاربان شخصی است که در اجرای قوانین و مقررات شکار و صید و حفاظت و بهسازی از محیط با محیط‌بان همکاری می‌کند.

با توجه به تعریف فوق، گستردگی قابل‌توجهی در شرح وظایف محیط‌بانان وجود دارد به‌نحوی که مواظبت از انواع گونه‌های گیاهی، جنگل، حفاظت از حیات‌وحش، منابع طبیعی و... از وظایف محیط‌بانان محسوب می‌شود، وظایفی که محیط‌بان به‌تبع آن با انواع مجرمین از جمله شکارچیان غیرمجاز، قاچاقچیان منابع طبیعی و اشرار درگیر می‌شوند.^{۱۰} بدیهی است محیط‌بان زمانی

۶. مطابق با اعلام نظر معاون دادستان کل کشور در سال ۱۴۰۲ بیش از ۳۳۰۰ پرونده در خصوص جرایم زیست‌محیطی در ایران تشکیل شده است که ۲۳۰۰ پرونده منجر به محکومیت شده است. <https://www.isna.ir/news/1403110201592>

۷. سید مجید میرحسینی و فرسیما، خامسی پور، «قانون حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط‌زیست در حقوق اتحادیه اروپا و ایران»، مجله راهبرد، ۷۳، (۱۳۹۳)، ۷۷.

۸. Ayling, J. «What sustains wildlife crime? Rhino Horn Trading and the Resilience of Criminal Networks», International Wildlife Law and Policy, ۸۰، ۵۷ (۲۰۱۳)، ۱۶.

۹. محسن عبدالهی، «حمایت کیفری از محیط‌زیست تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست‌محیطی»، مجله علوم محیطی، ۵، ۱، (۱۳۸۶)، ۹۸.

۱۰. محمدعلی حکیمیان، حکیمیان «امکان‌سنجی استفاده از قاعده احترام به‌عنوان مبنای ضمان ناشی از صدمه به محیط‌زیست»، مجله تعالی حقوق، ۱۲، ۱، (۱۴۰۰)، ۹۲.

می‌تواند این حجم از وظایف مقرر قانونی را به نحو مطلوب انجام دهد که از حمایت و اختیار لازم برخوردار باشد از جمله اینکه بتواند در مواقع ضروری به طرق مقتضی از خود دفاع نموده و یا بتواند مرتکبین جرایم زیست‌محیطی را دستگیر نماید بنابراین تازمانی که محیطبان با این حجم از وظایف مقرر از اختیارات و حمایت‌های قانونی لازم برخوردار نباشد، انجام این قبیل وظایف او دشواری‌های بیشتری خواهد داشت.

۱-۱. شناسایی محیطبان به‌عنوان ضابط دادگستری

ضابطین دادگستری به لحاظ اهمیت وظایفی که بر عهده‌دارند از جایگاه خاصی در نظام قضایی و دادرسی برخوردار می‌باشند. این افراد جزء کسانی هستند که اولین برخورد مقامات قانونی با جرایم ارتكابی توسط آنها انجام می‌شود و زیربنای اقدامات کیفری را اقدامات اولیه این افراد تشکیل می‌دهد، لذا نقش آنها در فرایند رسیدگی قضایی بسیار حساس است. ضابطین به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شوند (ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری). ضابطین عام کسانی هستند که صلاحیت اقدام درباره کلیه جرایم را دارند مگر آنچه را که قانون منع نموده باشد و ضابطین خاص مأمورینی هستند که صلاحیت آنها محدود به وظایف خاص و محول شده است.^{۱۱} مطابق با ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.

قانونگذار به‌صراحت در ماده ۱ قانون حمایت قضائی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگلانی، محیطبانان را جزء ضابطین خاص دادگستری محسوب نموده و مقرر داشته است: «مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگل بانی در قالب دستورالعمل تشکیل یگان‌های حفاظت در دستگاه‌های اجرایی تسلیح و ضابط خاص قضایی محسوب می‌شوند...».

علاوه بر این، قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳ نیز محیطبانان را به‌عنوان ضابط خاص محسوب کرده است به نحوی که مأمورین محیط‌زیست در صورتی که تعلیمات مربوطه را زیر نظر دادستان شهرستان گرفته باشند مأمور کشف و تعقیب جرایم مربوط به محیط‌زیست می‌شوند. این مأموران مطابق با ماده ۱۵ قانون فوق و ماده ۱۹^{۱۲} قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ ضابط خاص دادگستری محسوب می‌شوند. لازم به ذکر است دوره آموزشی ضابطین دادگستری زیر نظر مقامات قضائی که در محل طی خواهد شد به‌منظور آماده کردن افراد گارد محیط‌زیست جهت به‌عهده گرفتن وظایف ضابط دادگستری هنگام مواجه شدن با متخلفین در امور شکار و صید و نحوه کشف و توقیف جرائم تشکیل می‌گردد.^{۱۳} ضابطان خاص باید سه شرط وثاقت و مورداطمینان بودن، طی نمودن مهارت و دوره‌های آموزشی لازم زیر نظر مرجع قضایی و همچنین اخذ کارت ضابط دادگستری را داشته باشند.^{۱۴} در نظام حقوقی آمریکا مأموران حفاظت از محیط‌زیست بخشی از نیروی پلیس محسوب می‌شود و

۱۱. علی خالقی، آیین دادرسی کیفری، جلد اول (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۴۰۳)، ۶۳، ۶۳.

۱۲. مأمورین شکاربانی که از طرف سازمان شکاربانی مأمور کشف و تعقیب جرائم فوق‌الذکر می‌شوند در صورتی که وظائف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته باشند از لحاظ اجرای این قانون در ردیف ضابطین دادگستری محسوب می‌شوند.

۱۳. ماده ۵۲ دستورالعمل گارد خدمات محیط‌زیست

۱۴. سید فاضل نوری و نسترن آقایی، «بازشناسی الگوی ارتباطی قاضی و ضابط قضایی در نظام رسیدگی کیفری»، مجله دانشنامه‌های حقوقی، ۱۸،

در زمان استخدام دوره‌های آموزشی و تکمیلی، برخی دوره‌های دانشگاهی و حتی میدانی را در زمینه حوزه کاری خود طی می‌کنند. این افراد در مراکز آموزشی، آموزش استفاده از سلاح گرم را نیز می‌بینند و پس از آن می‌توانند سلاح گرم و تجهیزات دفاعی با خود حمل کنند و مرتکبین و متخلفان جرایم زیست‌محیطی را تعقیب، دستگیر و به مقام قضایی تحویل دهند. تمرکز اصلی محیط‌بانان در این کشور حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست است. محیط‌بانان در آمریکا حتی می‌توانند به عنوان شاهد در مراجع قضایی حضور پیدا کرده و در خصوص رفتارهای ارتكابی شهادت دهد. در میان محیط‌بانان بازرسان ویژه‌ای وجود دارد که در خصوص نقض احتمالی مقررات کیفری و اداری تحقیقات لازم را به عمل می‌آورند.^{۱۵} در حقوق انگلستان نیز حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی و پارک‌های ملی از وظایف محیط‌بانان است و هدف آنها حفظ این منابع برای نسل‌های آینده است.^{۱۶}

۲-۱. اختیارات محیط‌بان به‌عنوان ضابط دادگستری

در مواد ۹^{۱۷} و ۱۱^{۱۸} دستورالعمل گارد خدمات محیط‌زیست، موارد مختلفی به‌عنوان وظایف محیط‌بانان مورد تصویب قرار گرفته است. این وظایف را می‌توان در دو دسته قرار داد؛ برخی از این وظایف مربوط به وظایف اداری و سازمانی است که از جمله آنها می‌توان به وظایفی چون بازدید و شناسایی حوزه‌های استحقاقی و ارائه گزارش به مقام مافوق اشاره نمود. گروه دیگر وظایفی است که به‌تبع ضابط قضایی بودن برای محیط‌بانان تعریف شده است؛ از میان این وظایف بند ۴ ماده ۹ دستورالعمل مذکور مبنی بر اقدام در زمینه کشف جرایم و دستگیری متخلفین و همچنین جلوگیری از شکار و صید غیرمجاز، بند ۹ ماده ۹ دستورالعمل مبنی بر تنظیم صورت‌مجلس تخلف و معرفی متخلفین به مراجع ذیصلاح، همچنین همکاری در اجرای قوانین و مقررات حفاظت و بهسازی محیط‌زیست و قانون شکار و صید و همکاری در زمینه کشف جرایم و دستگیری متخلفین موضوع بند ۳ ماده ۱۱ دستورالعمل از وظایف خاص محیط‌بانان و کمک محیط‌بانان در مقام ضابط دادگستری محسوب می‌شود.^{۱۹}

¹⁵ John Copeland Nagle, *he Environmentalist Attack on Environmental Law*, Notre Dame Law School, 23, (2015) ۶۰۱.

¹⁶ . Shelton, D. "Common Concern of Humanity", *Environmental Policy and Law*, Vol ۲, No ۳۹, ۱۰۲-۸۳ (2009).

۱۷. وظایف محیط‌بان عبارت است از: ۱- بازدید و شناسایی کامل حوزه استحقاقی در زمینه منابع محیط‌زیست با توجه به وظایف محوله و ارائه گزارش به مافوق ۲- بازدید و شناسایی کلیه رویدادها حوزه استحقاقی که منجر به دگرگونی تخریب و آلودگی محیط‌زیست می‌گردد از قبیل حریق، سیل، طغیان رودخانه، زلزله، بیماری و مرگ‌ومیر جانوران وحشی، بروز آفات گیاهی، آلودگی‌های مختلف زیست‌محیطی، منابع آلوده‌کننده و فعالیت‌های مختلف عمرانی و ساختمانی، چرای بی‌رویه در مراتع، قطع و نابودی اشجار، بوته کنی و غیره و ارائه گزارش لازم به مافوق. ۳- اجرای قوانین و مقررات حفاظت و بهسازی محیط‌زیست، شکار و صید بر اساس دستورالعمل‌های صادره از مافوق. ۴- اقدام در زمینه کشف جرائم و دستگیری متخلفین بر اساس دستورالعمل‌های صادره ۵- بررسی پروانه‌های مربوط به چرای احشام در این مناطق طبق دستورالعمل‌های صادره. ۶- جلوگیری از تخریب و تجاوز به منابع طبیعی، در مناطق تحت اختیار سازمان با توجه به دستورالعمل‌های صادره. ۷- صدور پروانه‌های شکار و صید در حوزه استحقاقی در موارد لزوم طبق دستور مافوق. ۸- بازدید و کنترل مدارک و پروانه‌های شکار و صید. ۹- جلوگیری از شکار و صید غیرمجاز، تنظیم صورت‌مجلس تخلف و معرفی متخلفین به مقامات ذیصلاح. ۱۰- تهیه آمار وحوش و شناخت گدار شکار منطقه و گزارش آن به مافوق. ۱۱- حفظ و نگهداری تأسیسات و اموال دولتی تحت اختیار. ۱۲- تهیه و تنظیم گزارش فعالیت‌های انجام‌شده و ارائه آن به مافوق.

۱۸. وظایف شکاربان (کمک محیط‌بان) عبارت است از: ۳- همکاری در زمینه کشف جرائم و دستگیری متخلفین بر اساس دستورالعمل‌های صادره...

۱۹. محمد صالح موبدی و اکبر وروایی و مسعود قاسمی، «تبیین وضعیت محیط‌بانان به‌عنوان ضابطین خاص دادگستری»، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، ۲، ۴، (۱۴۰۱)، ۱۲۰.

مطابق ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرایم مشهود ضابطان مکلف شده‌اند تا قبل از مداخله مقام تعقیب یا تحقیق تمامی اقدامات لازم از جمله جلوگیری از امحاء آثار جرم، فرار متهم و یا هرگونه اقدام یا تحقیق را که ضروری باشد به عمل آورده، پس از آن نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مقام تعقیب برسانند. حتی چنانچه نیاز باشد در جرایم مشهود می‌توانند اقدام به دستگیری متهم نمایند و وی را نهایتاً به مدت ۲۴ ساعت تحت نظر نگهداری نمایند و در اولین فرصت مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند. مقام قضایی در نهایت در خصوص ادامه بازداشت یا آزادی متهم تعیین تکلیف می‌نماید. لذا در اموری چون کشف جرم و دستگیر متهمین در حوزه جرائم مرتبط با محیط‌زیست محیط‌بانان می‌توانند اقدامات فوق را به‌عنوان بخشی از وظایف قانونی خود به عمل آورند.^{۲۰}

کشف جرم به معنای یافتن و پیدا کردن جرم است و کشف کننده جرم کسی است که برای نخستین بار جرم را پیدا می‌کند. در حوزه جرائم مرتبط با محیط‌زیست، محیط‌بانان در بسیاری از موارد جزء ضابطینی هستند که جرائم مختلف را در این حوزه کشف نموده و در اجرای وظایف مرتبط با ضابط بودن اقدام به گزارش این جرایم به مقامات صالح می‌نمایند. این قبیل از ضابطین وظایفی تخصصی بر عهده دارند به نوعی که می‌توان گفت حوزه کاری آنها در زمینه محیط‌زیست محسوب می‌شود.^{۲۱} در بسیاری موارد، محیط‌بانان با اقدامات مختلفی می‌توانند پیشگیری از وقوع جرم نمایند مانند زمانی که از ورود شکارچی غیرمجاز به مناطق حفاظت شده ممانعت به عمل می‌آورند یا زمانی که با اقداماتی از جمله گشت زنی در محیط‌زیست امکان ارتکاب جرم را از مرتکبین این قبیل جرایم سلب می‌نمایند.^{۲۲} همچنین اجازه دستگیری متخلفین و مرتکبین جرایم زیست‌محیطی نیز به محیط‌بانان داده شده است یعنی چنانچه محیط‌بان در حین انجام وظیفه با افرادی مواجه شود که مرتکب جرایم مرتبط با محیط‌زیست شده‌اند و یا طرح و برنامه‌ای برای ارتکاب این قبیل امور داشته باشند محیط‌بان به‌عنوان ضابط دادگستری حق دستگیری این افراد و تحویل آنها به مقام صلاحیتدار را خواهد داشت. با توجه به مباحث مذکور و در راستای تبیین دقیق ابعاد حمایت کیفری از محیط‌بانان، در ادامه به بررسی این قسم حمایت در دو مرحله حین به‌کارگیری و پس از به‌کارگیری سلاح پرداخته می‌شود.

۲. حمایت کیفری از محیط‌بانان «حین به‌کارگیری سلاح»

محیط‌بانان به دلایل شرایط سخت‌کاری و ذهنی و همچنین با توجه به وسعت بالای مناطق تحت حفاظت، کمبود امکانات و نیروی انسانی و تنهایی در محیط طبیعی برای ساعات طولانی، مستعد آسیب‌های جسمی و روانی هستند. لذا حمایت‌های مالی، روانی، فرهنگی، قانونی و کیفری از این افراد ضروری است. یکی از مقدمات لازم در حمایت از محیط‌زیست، حمایت از محافظان آن می‌باشد و این حمایت باید به نحوی باشد که دولت‌های حاکم در کشورهای مختلف در انجام تعهدات بین‌المللی حداکثر حمایت خود از محیط‌بانان را داشته باشند تا آنها نیز در سایه این حمایت‌ها بتوانند از محیط‌زیست که سرمایه تمامی نسل‌های بشری است محافظت نمایند.^{۲۳} یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در دهه‌های اخیر بحث به‌کارگیری سلاح توسط محیط‌بانان است.

۲۰. امیرسلیمانی و رضوان محمدی و محمد اسماعیل شادروان، «وظایف ضابطین دادگستری در جرایم مشهود و غیر مشهود در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، مجله پژوهش ملل، ۴۵، (۱۳۹۸)، ۷۸.

21. Lazarus, R. «The Making of Environmental Law». Chicago: University of Chicago Press, (۲۰۲۳).

۲۲. محمد خلیل صالحی، علی افراسیابی، « جایگاه و حدود اختیارات دادستان در نظام رسیدگی کیفری»، پژوهش‌های حقوق کیفری، ۲۵، (۱۳۹۷)، ۲۰.

23. Shelton, D. "Common Concern of Humanity", Environmental Policy and Law, Vol ۲, No ۳۹, ۱۰۲-۸۳ (۲۰۰۹).

جهت حمایت و صیانت از محیط‌بانان و در راستای حفظ جان و سلامت و همچنین معیشت محیط‌بانان در تاریخ ۱۳۹۹/۰۳/۰۷ اقدام به تصویب قانونی با عنوان «قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگل‌بانی» نمود که هدف آن بیشتر تأمین امنیت و سلامت محیط‌بانان از نظر حفظ جان و امور معیشتی، بیمه‌ای و رفاهی است و در حال حاضر مهمترین مستند قانونی در زمینه به‌کارگیری سلاح توسط محیط‌بانان، محسوب می‌شود. مقنن مطابق با مواد ۲ الی ۴ قانون مذکور و آیین‌نامه اجرایی آن، شاید توانست مشکلاتی مانند خدمات بیمه‌ای تکمیلی، عمر، حوادث و مسئولیت مدنی در مقابل شخص ثالث و مسئولیت مدنی کارفرما در قبال کارکنان و ... را مرتفع کند اما به نظرمی رسد در زمینه جبران خسارات ناشی از جرم و در زمینه حمایت‌های مالی و قانونی از محیط‌بان خصوصاً در خصوص بکارگیری از سلاح و تبعات ناشی از آن، می‌توانست حمایت بیشتری را داشته باشد. به‌بیان‌دیگر هرچند مقنن برخی حمایت‌های بیمه‌ای را در قالب آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگل‌بانی مصوبه شماره ۱۳۶۱۴۳/ت/۵۸۴۳۲-هـ مورخ ۲۵/۱۱/۱۳۹۹ هیات وزیران پیش‌بینی نموده است لیکن یکی از موضوعاتی که در نظام تقنینی و قضایی ما مغفول مانده و می‌تواند از مصادیق حمایت کیفری از محیط‌بان و جبران ضرر و زیان‌های ناشی از بزه دیدگی او باشد، بحث بیمه جنایی است. «حقوق بیمه جنایی، مجموعه قواعد و اصولی است که ناظر به ارزیابی، پذیرش، تدوین شرایط عمومی و خصوصی، پوشش ریسک خسارات ناشی از جرایم در سیطره صنعت بیمه به‌منظور اصلاح، بازپروری بزه‌کاران و البته ترمیم خسارت بزه دیدگان می‌باشد». محیط‌بانان ضابطینی هستند که به طرق مختلف در حین انجام وظیفه ممکن است مورد بزه دیدگی قرار گیرند و به دلایل متعدد مثل عدم شناسایی یا عدم دسترسی به مرتکب، فوت یا فرار وی، امکان جبران خسارت‌های ناشی از جرم از سوی مرتکب امکان‌پذیر نباشد، اینجاست که بیمه جنایی به‌عنوان یک نهاد حمایتی می‌تواند حمایت‌های لازم از محیط‌بان را به عمل آورده و خسارات و ضرر و زیان‌های ناشی از جرم در زمینه بزه دیدگی وی را جبران نماید.^{۲۶} همچنین در امور دیگری در اثر رفتار قانونی محیط‌بان ممکن است اشخاصی مانند شکارچیان غیرمجاز مورد هدف یا آسیب‌دیدگی قرار گیرند و دیه یا خساراتی بر عهده محیط‌بان قرار گیرد. با توجه به اینکه محیط طبیعی است و احتمال حضور شاهد یا دوربین‌های مداربسته نیز در این مکان‌ها بسیار کم است، ممکن است قانونی بودن رفتار مرتکب قابل اثبات نباشد در چنین مواردی نیز بهره‌مندی محیط‌بان از بیمه جنایی می‌تواند اقدامی حمایتی بشمار آید به‌عنوان نمونه فرض کنیم چند نفر شکارچی غیرمجاز با اسلحه به‌طرف محیط‌بان تیراندازی می‌کنند و محیط‌بان نیز متقابلاً به سمت آنها شلیک می‌کند و یکی از شکارچیان مورد هدف قرار گرفته و زخمی می‌شود، سایر شکارچیان اسلحه فرد مجروح را برداشته و خود نیز متواری می‌شوند در این حالت اثبات قانونی بودن رفتار محیط‌بان و اینکه محیط‌بان به سمت یک فرد مسلح شلیک کرده است بسیار دشوار است، لذا در این حالت ممکن است دادگاه حکم به پرداخت دیه یا خسارت وارده به شکارچی را صادر نماید در این حالت بیمه جنایی می‌تواند حمایت‌های لازم از محیط‌بان را به عمل آورد.

بیمه جنایی نهاد کیفری بسیار مهمی است که می‌تواند در حمایت از محیط‌بانان وارد نظام قضایی کشور شده و مطلوب‌تر بود قانونگذار در قانون «قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگل‌بانی» این موضوع را در خصوص محیط‌بانان موردتوجه قرار می‌داد یا اینکه اکنون در زمینه الحاق این موضوع به قانون مذکور اقدامات لازم را به عمل آورد.

^{۲۶}. رایجیان اصلی و سهامی «درآمدی بر حقوق بیمه جنایی در راستای سیاست جنایی بیمه مدار» مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۳، (۱۳۹۸)، ۱۵۳.

۱،۲. شرایط به کارگیری سلاح توسط محیطبانان

مطابق با ماده یک قانون «حمایت قضایی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگل‌بانی»^{۲۷} محیطبانان به‌عنوان ضابط خاص قضایی محسوب شده و در خصوص بندهای ۱ الی ۳ قانون بکارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح، در انجام وظایف و مأموریت‌های سازمانی حق به‌کارگیری سلاح را خواهند داشت.

با دقت در ماده فوق مشخص است، قانونگذار در ماده یک قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگل‌بانی ضمن تأکید بر ضابط بودن محیطبانان یا مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگل‌بانی شرایط مقرر قانونی را در امر به‌کارگیری سلاح توسط محیطبانان مشخص نموده و مجوز به‌کارگیری سلاح توسط محیطبانان را صرفاً در چارچوب بندهای ۱،۲ و ۳ ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳ دانسته است.^{۲۸} به عبارت دیگر مقنن با تصویب این ماده شمول استفاده محیطبانان از اسلحه را که در سابق بر مبنای قانون بکارگیری سلاح... انجام می‌شد محدود نموده و با محدودیت‌های ایجاد شده، صرفاً در بندهای فوق اجازه استفاده از اسلحه را به این نیروها داده است. این در حالی است که هدف از تصویب قانون مذکور هدف حمایتی بود لیکن در عمل این قانون سبب محدودیت‌های بیشتری برای محیطبانان شده که در جای خود قابل تأمل است.

مقنن علیرغم نگاه حمایتی از محیطبانان، در زمینه به‌کارگیری سلاح توسط محیطبانان، محدودیت‌هایی جدی و قابل توجه را رقم زد به‌نحوی که پس از تصویب این قانون نه تنها اختیارات محیطبانان در به‌کارگیری سلاح افزایش پیدا نکرد بلکه این اختیارات کاهش نیز داده شد. چرا که تا قبل از تصویب این قانون، محیطبانان در جایگاه یک مأمور دولت به طور عام تابع قانون به‌کارگیری سلاح محسوب می‌شدند اما قانون اخیر با توجه به اینکه به‌طور خاص در خصوص محیطبانان تصویب شد برخی از محدودیت‌ها را نیز برای محیطبانان به دنبال داشته است.

انتظار از مقنن این نبوده که محیطبانان را همانند یک ضابط عام محسوب کند و تمام اختیارات ضابطين عام را در بحث به‌کارگیری سلاح برای محیطبانان هم پیش‌بینی نماید، اما با توجه به اینکه هدف قانون موضوع پژوهش، حمایت از محیطبانان می‌باشد، انتظار این است که برای ضابطين خاص، قوانین خاص طوری تصویب شوند که این طیف از ضابطين بتوانند بهتر خدمت کرده و آزادی عمل بیشتری داشته باشند بنابراین اگر نسبت به این قشر از ضابطين یک قانون کلی مبهم یا مجمل حاکم باشد نه تنها از آنها و محیط‌زیست حمایت نکرده‌ایم بلکه با موانعی که پیش روی آنها قرار داده شده است خطرات و تهدیدهای

۲۷. «مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگل‌بانی که در قالب دستورالعمل تشکیل یگان‌های حفاظت در دستگاه‌های اجرائی تسلیح و ضابط خاص قضائی محسوب می‌شوند، صرفاً در خصوص بندهای (۱)، (۲) و (۳) ماده (۳) قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ حق به‌کارگیری سلاح در انجام وظایف و مأموریت‌های سازمانی خود را دارند. مأموران مزبور از حیث تکالیف، وظایف و مسؤولیت‌های کیفری و مدنی ناشی از به‌کارگیری سلاح در موارد مذکور مشمول قانون فوق‌الذکر می‌باشند. دستگاه اجرائی مربوطه از حیث تکالیف خود در قبال مأموران موضوع این ماده از جمله پرداخت دیه و جبران خسارت، مشمول قانون مذکور است.»

۲۸. سید وحدت فخری و سالار صادقی و داود علیزاده، «تحلیلی بر قانون به‌کارگیری سلاح در اصول حقوق کیفری»، مجله تمدن حقوقی، ۱۶، (۱۴۰۲)،

آنان را بیشتر کرده‌ایم.^{۲۹} با توجه به مطالب ذکر شده، محیط‌بانان صرفاً در مواردی می‌توانند از سلاح استفاده کنند که مشمول سه بند ابتدایی قانون به‌کارگیری سلاح مصوب ۷۳/۱۰/۱۸ باشند. این ماده مقرر داشته است: «مأمورین انتظامی در موارد زیر حق به‌کارگیری سلاح را دارند: ۱- برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله نماید. ۲- برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون به‌کارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد. ۳- در صورتی که مأمورین مذکور مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است.» بدین شرح با دقت در موارد فوق مشخص است مجوز استفاده از سلاح برای محیط‌بانان صرفاً در سه حالت پیش‌بینی شده است؛ حالت اول، زمانی است که محیط‌بان در جهت حفظ جان خود در برابر حمله شخص دیگری که با سلاح سرد یا گرم به محیط‌بان حمله کرده است می‌تواند از سلاح استفاده کند، حالت دوم زمانی است که دو یا چند نفر بدون سلاح به محیط‌بان حمله کرده‌اند و محیط‌بان بدون استفاده از سلاح امکان دفاع شخصی از خود را ندارد و حالت سوم نیز موقعی است که یک یا چند شخص مورد حمله واقع شده باشند و جان آنان در خطر باشد؛ بنابراین آنچه محرز می‌شود این است که محیط‌بان صرفاً در جهت رفع خطرات جانی که شخص محیط‌بان یا اشخاص ثالث را تهدید می‌کند می‌تواند از سلاح استفاده کند و در غیر این حالات امکان استفاده از سلاح برای محیط‌بان وجود ندارد.

با این قبیل اختیاراتی که قانونگذار در به‌کارگیری سلاح برای محیط‌بانان قائل شده است به‌جای اینکه اقدامی در توسعه اختیارات محیط‌بانان داشته باشد با سلب اختیار و محدودیت‌هایی که در استفاده از بندهای «۵» و «۶» و «۷» و «۸» و «۱۰» ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح برای محیط‌بانان به وجود آورده، عملاً از اختیارات و آزادی عمل این قبیل از ضابطان دادگستری کاسته است و صرفاً اختیاراتی تدافعی را به محیط‌بانان داده است.^{۳۰} علاوه بر موارد مندرج در بندهای «۱»، «۲» و «۳» ماده یک قانون به‌کارگیری سلاح، قانونگذار در شرایطی استثنائی مجوز استفاده از سلاح توسط محیط‌بانان را در اجرای بند ۴ ماده ۳ قانون مذکور پیش‌بینی کرده است. بند ۴ ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح، مقرر داشته است که مأمورین مسلح پیش‌بینی شده در آن قانون می‌توانند در اجرای وظایف قانونی برای دستگیری سارق و قاطع‌الطریق و کسی که اقدام به ترور یا تخریب و یا انفجار نموده است و در حال فرار باشد از سلاح استفاده نمایند. مقنن در تبصره یک قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگل‌بانی مقرر داشته است «به‌کارگیری سلاح در خصوص بند (۴) ماده (۳) قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری در صورتی مجاز است که ضمن رعایت تمام ضوابط مقرر از جمله تبصره (۳) ماده (۳) و ماده (۷) قانون مذکور، از هیچ طریق دیگری مانند به‌کارگیری سلاح غیرکشنده، امکان دستگیری و متوقف نمودن مرتکبان وجود نداشته باشد». همان‌گونه که قابل مشاهده است مقنن با پیش‌بینی این تبصره، محیط‌بانان را در اجرای بند ۴ ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح محدود نموده و صرفاً زمانی محیط‌بانان در خصوص دستگیری سارق، قاطع‌الطریق و کسی که اقدام به ترور یا انفجار نموده و در حال فرار می‌باشد، می‌توانند اقدام به استفاده از سلاح نمایند که اولاً طبق تبصره ۳ ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح چاره‌ای جزء به‌کارگیری سلاح نداشته باشند و ثانیاً مراتب تیر هوایی، تیراندازی کمر به پایین و

^{۲۹} . امیر علا شهبیدی رضوی و مصطفی پاک‌نیت، «نقد و بررسی قانون به‌کارگیری سلاح در رابطه با محیط‌بانان»، فصلنامه مطالعات حقوقی، ۲۷، (۱۳۹۷).

۳۰. الهه سلیمانی و رضا معاشری، «بررسی وضعیت مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست (محیط‌بانان)»، نشریه گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)، (۱۴۰۲)، ۱۳.

تیراندازی کمر به بالا را رعایت نمایند. علاوه بر این موارد، شرایط مقرر در ماده ۷ قانون به کارگیری سلاح نیز که مقرر نموده است حتی المقدور باید پاهای هدف قرار دهند و نسبت به مجروحین مراقبت و مواظبت نمایند و آنها را به مراکز درمانی برسانند نیز رعایت شود. قانونگذار با تصویب ماده ۷ و محدودیت در تیراندازی و مکلف نمودن محیطبانان به مراقبت از افراد مجروح یا زخمی که مورد هدف قرار گرفته‌اند، به دنبال این بوده است که تا حد امکان جان افراد حتی شکارچی غیرمجاز باشد حفظ شود و کسی به قتل نرسد لذا مراتب و محدودیت‌هایی را در تیراندازی محیطبانان مورد تصویب قرار داده و سعی بر آن داشته جان افراد حتی شخص مجرم مورد حمایت قرار گیرد.

با بیان مطالب فوق مشخص است که قانونگذار استفاده از بند ۴ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح را نیز با اعمال محدودیت‌هایی نسبت به سایر مأمورین یا ضابطین قضایی برای محیطبانان پیش‌بینی نموده است. با دقت در موارد قیدشده امکان اقداماتی مثل ترور یا دستگیری سارق یا قاطع الطریق که مرتبط با محیطبانان یا حوزه کاری او باشد به شدت پایین است اما اقداماتی مثل تخریب یا ایجاد انفجار در محیط‌زیست از جمله جرایمی است که می‌تواند در محیط‌زیست کشور تحقق پیدا کند و ضابطینی که می‌توانند در این خصوص اقدام به پیشگیری نمایند یا به مقابله با این گونه اقدامات بپردازند محیطبانان هستند که این افراد نیز با تصویب تبصره یک ماده یک قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای دچار محدودیت‌هایی جدی شده‌اند.^{۳۱}

۲-۲. محدودیت‌های ایجادشده در قلمرو موارد جواز به کارگیری سلاح توسط محیطبانان

علیرغم تلاش‌هایی که قانونگذار در راستای حمایت از محیطبانان نموده است علاوه بر اینکه در برخی از امور اختیارات محیطبانان را در به کارگیری سلاح نسبت به سایر ضابطین دادگستری کاهش داده است، قوانین مربوطه در برخی دیگر از امور هم که احتمال وقوع خطرات و جرایمی علیه محیطبانان وجود دارد و حتی ممکن است برخی از این موارد جان این افراد را تهدید کند با ابهام یا خلاء قانونی مواجه است. به عنوان نمونه نیروی انتظامی که ضابط عام دادگستری محسوب می‌شود در راستای قانون به کارگیری سلاح این اختیارات را دارد که در تمامی امور مختلف پیش‌بینی شده در ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح، اقدام به استفاده از سلاح نماید. مثلاً در مواردی که شخص بازداشت شده قصد فرار داشته باشد یا در زمانی که مأمور نیروی انتظامی قصد حفاظت از مقرهای خود یا اماکن انتظامی از جمله مرکز فرماندهی، ستاد، پاسگاه و ... داشته باشد یا نیاز به محافظت از سلاحی که مأمور برای انجام مأموریت از آن استفاده می‌کند داشته باشد، حق استفاده از سلاح را خواهد داشت لیکن در خصوص محیطبانان هیچ کدام از موارد پیش‌بینی نشده و یا به صورتی مبهم مورد تصویب قرار گرفته است.^{۳۲}

به عنوان نمونه اولین مورد از ابهامات و کاستی‌های قانونی در به کارگیری سلاح توسط محیطبانان می‌توان به حالتی چون زمانی که شکارچی در حال شکار غیرمجاز است و یا شکار را انجام داده و در حال خروج از محیط تحت حفاظت محیطبانان است و یا در زمانی که در حال فرار از محل شکار ممنوع می‌باشد اشاره کرد. طبق اختیاراتی که قانون برای محیطبانان پیش‌بینی نموده است در این موارد نیز محیطبانان حق استفاده از سلاح را نخواهد داشت. به این طریق و با ایجاد چنین محدودیت‌هایی، اگر شکارچی

۳۱. جواد بهرامی و دیگران، «بررسی سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران در قبال جرایم تخریب محیط‌زیست»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۵، شماره ۳، (۱۴۰۱)، ۳۹۳.

۳۲. محمد صالح مؤیدی و اکبر وروایی و مسعود قاسمی، «سیاست جنایی تقنینی ایران در مورد پیشگیری از بزه دیدگی محیطبانان»، مجله مطالعات فقه اقتصادی، ۴، ۵، (۱۴۰۱)، ۳۹۳.

غیرمجاز چه در حین شکار و چه بعد از شکار در حال فرار باشد، محیطبان در راستای دستگیری او نمی‌تواند به طرف او تیراندازی کند و صرف اطلاع مجرمین از این موضوع سبب خواهد شد این افراد هیچ توجهی به هشدارها و اخطار یا ایست محیطبان ندهند و با این آسودگی که محیطبان حق تیراندازی ندارد از محیط متواری شوند. لازم به ذکر است در موارد دیگری نیز چون دفاع یا حفظ مقر محیطبانی و مواردی این چنین نیز محیطبان حق برخورداری از سلاح را نخواهد داشت با این شرایط جرایم زیست‌محیطی از سوی افرادی آگاه به این موضوعات و با سبق تصمیم و نقشه‌ای که از قبل طراحی شده و همچنین محاسبه سود و زیان ناشی از جرم تحقق پیدا خواهد کرد^{۳۳}.

علاوه بر این موارد، سایر اسناد از جمله دستورالعمل خدمتی گارد محیطزیست، وظایف مختلفی را برای محیطبانان در نظر گرفته است. یکی از این وظایف، بند ۴ ماده ۹ و بند ۳ ماده ۱۱ آیین‌نامه مذکور است که اقدام در زمینه کشف جرایم و دستگیری متخلفین از قوانین و مقررات طبق دستورالعمل‌ها از وظایف محیطبانان تعریف شده است. ماده ۲۷ آیین‌نامه مورد اشاره مقرر داشته است: «آن دسته از مأمورین سازمان که ضابط دادگستری می‌باشند صرفاً هنگام انجام وظایف قانونی و در اجرای مأموریت‌های محوله برای کشف و تعقیب جرائم مصرح در قانون حفاظت و بهسازی محیطزیست در شمار نیروهای مسلح موضوع ماده یک «قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری» محسوب و در چارچوب و موازین دقیق قانون مذکور حق استفاده از اسلحه‌سازمانی را دارند». با دقت در مطالب فوق مشخص است موارد ذکر شده از جمله دستگیری متهم و کشف جرایم از جمله مواردی هستند که غالباً به لحاظ خطرات جانی که برای ضابط خواهند داشت نیاز به استفاده از سلاح دارند در حالی که قانونگذار با محدودیت‌هایی که در قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیطزیست و جنگل بانی ایجاد نموده عملاً امکان چنین اعمالی را از محیطبانان سلب کرده است؛ به عبارت دیگر، سایر ضابطین دادگستری در اموری چون دستگیری متهم و کشف جرایم حق استفاده از سلاح را خواهند داشت اما محیطبانان علیرغم اینکه اموری چون کشف جرم، تعقیب و دستگیری متهم از وظایف آنان لحاظ شده است، حق به‌کارگیری سلاح را ندارند.^{۳۴} این موضوع به شدت با رسالت و وظایف محیطبانان مغایرت دارد چرا که قانون از یک جهت مقابله با مرتکبین، تعقیب و دستگیری متهم و همچنین کشف جرایم را از وظایف محیطبانان قرار داده اما در انجام این وظایف که همگی جزء وظایف خطرناکی هستند که احتمال درگیری محیطبان با افراد مذکور نیز بسیار بالاست، حق استفاده از سلاح به آنها داده نشده است.^{۳۵}

لازم به ذکر است در خصوص به‌کارگیری سلاح توسط محیطبانان در مقابله با حیوانات وحشی نیز قانون مورد بحث، مجوزی برای محیطبانان در به‌کارگیری سلاح پیش‌بینی نکرده است اما با توجه به اینکه مقابله و دفع حمله حیوانات وحشی از مصادیق قاعده اضطرار محسوب می‌شود، در اجرای ماده ۱۵۲ محیطبان می‌تواند برای دفع حمله حیوانات وحشی از اسلحه استفاده نماید. این موضوع در ماده ۲۸ دستورالعمل خدمتی گارد محیطزیست، نیز پیش‌بینی شده است.

۳. حمایت کیفری از محیطبانان «پس از به‌کارگیری سلاح»

همانگونه که ضابطین دادگستری در مفهوم عام چه در حین به‌کارگیری سلاح و چه پس از آن از حمایت‌های قانونی برخوردار می‌شوند ضروری است محیطبانان نیز به‌عنوان ضابط خاص دادگستری در حین و پس از به‌کارگیری سلاح حمایت‌های قانونی

33. Rees, H, "Can Criminal Law Protect the Environment?", In South, Niger and Beivne Piers, Green Criminology, London, Ashgate, (2006), 41

۳۴. بختیار عباسلو، «مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری»، فصلنامه دانش انتظامی، ۴۷، (۱۳۸۹)، ۹۲.

۳۵. حسن پوربافرانی و مرضیه همتی، «نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرائم زیست‌محیطی»، مجله مجلس و راهبرد، ۸۷ (۱۳۹۵)، ۳۶۹.

خاص خود را داشته باشند. متأسفانه در خصوص محیطبانان در بازه پس از به‌کارگیری سلاح نیز از لحاظ کیفی حمایت چندانی توسط قانونگذار به عمل نیامده است. صرفاً می‌توان در شرایطی بسیار خاص چنانچه گذشت، به‌کارگیری سلاح توسط محیطبان در دفاع از خود در مقابل حیوانات وحشی را از مصادیق قاعده اضطرار و عوامل موجه جرم موضوع ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی دانست و در مقابله با شکارچیان غیرمجاز و شلیک به‌طرف آنها نیز موضوع را از مصادیق دفاع مشروع به‌حساب آورد و در اجرای ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی قائل بر این بود که محیطبان در مقام دفاع از جان خود اقدام به به‌کارگیری سلاح نموده و در آن، جنایتی اعم از نفس یا عضو نسبت به شکارچیان غیرمجاز یا نقض‌کنندگان حقوق محیطزیست به عمل آمده است.^{۳۶} هرچند در احراز دفاع مشروع نیز شرایط دفاع که در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است باید رعایت گردد.

شایسته بود قانونگذار در حمایت از محیطبانان چه زمانی که در اثر به‌کارگیری سلاح توسط آنها، شخص دیگری آسیب می‌بیند و یا چه زمانی که در اثر ایستادگی و مقاومت محیطبانان در مقابل مرتکبان جرایم زیست‌محیطی، محیطبانان دچار آسیب‌های جسمی می‌شوند رویه قضایی و حمایت قانونی ویژه‌ای را پیش‌بینی می‌کرد و یا نظام قضایی در حمایت از این افراد و با توجه به شرایط خاص محیطبانان شعب خاصی را جهت رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با محیطزیست، شکار غیرمجاز و جرایم ارتكابی علیه محیطبانان پیش‌بینی می‌نمود، چرا که محیطبانان قشری هستند که به اقتضای موقعیت و وظایف شغلی در هر زمان امکان قربانی شدن در راستای حفاظت از محیطزیست در خصوص آن‌ها امکان‌پذیر است.^{۳۷} تنها قوانین شکلی که در خصوص جرایم ارتكابی در حوزه محیطبانان پیش‌بینی شده است قوانین مربوط به ضابطان دادگستری است که با توجه به ضابط بودن محیطبانان، مشمول این افراد نیز خواهد شد به نحوی که می‌توان گفت تنها حمایتی را که قانونگذار در دادرسی جرایم مرتبط با محیطبانان پیش‌بینی کرده است مربوط به تبصره ۲ ماده ۱ قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای مأموران یگان حفاظت محیطزیست و جنگل بانی می‌باشد که در آن مقرر داشته است که دادرها و دادگاهها مکلف‌اند پرونده‌های مرتبط با موضوع ماده یک قانون مذکور را (پرونده‌های مربوط به به‌کارگیری سلاح توسط محیطبانان) خارج از نوبت رسیدگی نمایند.^{۳۸}

در نظام حقوقی ایران در کنار کاستی‌های فوق و عدم‌حمایت کیفی لازم از محیطبانان، در مواردی مثل پرداخت خسارت و دیه در اثر به‌کارگیری سلاح توسط محیطبانان نسبتاً حمایت خوبی از محیطبانان به عمل آورده است. نمونه آن را می‌توان ماده ۳۹۱ قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از محیطبانان و مأموران یگان حفاظت محیطزیست و جنگل بانی و ماده ۴۰ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیطزیست و جنگل بانی مصوبه شماره ۱۳۶۱۴۳/ت/۵۸۴۳۲ هـ مورخ

۳۶. مرضیه کاربخش، «چالش‌های حقوق کیفری ایران در خصوص محیطبانان با تأکید بر لایحه قانونی حمایت از محیطبانان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، (۱۳۹۷)، ۴۴.

۳۷. محسن عبدالهی، «حمایت کیفری از محیطزیست تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست‌محیطی»، مجله علوم محیطی، ۵، ۱، (۱۳۸۶)، ۱۱۳.

۳۸. الهه سلیمانی، «اظهارنظر کارشناسی درباره لایحه حمایت از محیطبانان و جنگل بانان»، مجله گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۰، (۱۳۹۶)، ۲.

۳۹. مأموران مزبور از حیث تکالیف، وظایف و مسؤولیت‌های کیفری و مدنی ناشی از به‌کارگیری سلاح در موارد مذکور مشمول قانون فوق‌الذکر می‌باشند دستگاه اجرائی مربوطه از حیث تکالیف خود در قبال مأموران موضوع این ماده از جمله پرداخت دیه و جبران خسارت، مشمول قانون مذکور است.

۴۰. در مواردی که مأموران با رعایت قانون، سلاح به‌کارگرفته و شخص یا اشخاص بی‌گناهی مقتول یا مجروح شده یا می‌شوند و یا خسارت مالی بر آنان وارد گردیده یا می‌گردد، پرداخت دیه و جبران خسارات مذکور به طور کامل بر اساس رأی مرجع قضایی از محل اعتبارات مصوب مربوط توسط دستگاه مشمول ذی‌ربط صورت خواهد گرفت.

۱۳۹۹/۱۱/۲۵ هیات وزیران نام برد که در این دو مورد صرفاً دستگاههای اجرایی مربوطه مکلف شده‌اند چنانچه در اثر به‌کارگیری سلاح توسط محیطبان که تمامی شرایط قانونی را رعایت کرده باشد و در اثر تیراندازی او خسارت مدنی یا کیفری به طرف مقابل وارد شده باشد، پرداخت این قبیل موارد از جمله پرداخت دیه و خسارت بر عهده دستگاه اجرایی باشد. در ماده ۲ آیین‌نامه مذکور مقرر شده است در صورتی که در اثر به‌کارگیری سلاح توسط محیطبان، شخص با اشخاص بی‌گناهی مجروح یا مقتول شوند یا خسارت مالی بر آنان وارد گردیده یا می‌گردد، پرداخت دیه و جبران خسارات مذکور به‌طور کامل بر اساس رأی مرجع قضایی از محل اعتبارات مصوب مربوط توسط دستگاه مشمول ذی‌ربط صورت خواهد گرفت. به‌عبارت‌دیگر اگر مأمور محیطبان در به‌کارگیری سلاح تمامی موارد قانونی را اعم از ناچار بودن استفاده از سلاح، و دیگر مراحل مختلف تیراندازی مثل تیر هوایی، تیراندازی کمر به پایین و تیراندازی کمر به بالا موضوع تبصره ۳ ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ را رعایت نماید لیکن شخص یا اشخاص ثالث بی‌گناهی به قتل برسند یا مجروح شوند، جبران خسارات و پرداخت دیه به‌طور کامل بر مبنای رأی مراجع قضایی توسط دستگاه مشمول^{۴۱} ذی‌ربط پرداخت خواهد شد.^{۴۲} مقنن در با تصویب این موضوع تلاش نموده است ضمن حمایت از بزه دیدگان رفتار ارتكابی محیطبان، از شخص محیطبان نیز حمایت‌های لازم مالی و قانونی را به عمل آورد.

مفهوم مخالف مستندات فوق این است که اگر محیطبان در به‌کارگیری سلاح سلسله مراتب فوق را رعایت نکند و در اثر تیراندازی وی، مرتکب یا شخص ثالثی دچار آسیب جسمی یا جانی شود محیطبان خودش مسئول خواهد بود و جبران خسارات و پرداخت دیه بر عهده شخص محیطبان است. حمایت‌های مالی که قانونگذار در به‌کارگیری سلاح توسط محیطبان نموده است تا جایی پابرجاست که محیطبان از حدود قانونی خارج نشود و الا هیچ حمایت قانونی مشمول وی نخواهد شد.

دایره شمول ماده ۲ آیین‌نامه مذکور تا جایی است که حتی اگر اشخاصی از محیطبانان باشند که قبل از تصویب آیین‌نامه مورد اشاره از سلاح استفاده کرده و با رعایت شرایط مقرر اقدام به تیراندازی نموده باشند و در اثر رفتار آنها شخصی یا اشخاص ثالث بی‌گناهی به قتل رسیده یا مجروح شده باشند و خسارت یا دیه ناشی از آن هنوز پرداخت نشده باشد و محیطبان مدیون مجنی علیه یا اولیاء دم باشد، می‌توان با ارائه اسناد و مدارک لازم این قبیل امور را از محل اعتبارات آیین‌نامه مذکور پرداخت کرد. در همین راستا تبصره ۲ ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیطزیست و جنگل بانی مقرر داشته است؛ «مأمورانی که قبل از تصویب قانون مبادرت به به‌کارگیری سلاح نموده و از این لحاظ ملزم به پرداخت دیه یا جبران خسارت گردیده‌اند، ولی وجوه مربوط توسط سازمان متبوع مأمور پرداخت نشده باشد، بدهی آنان با ارایه اسناد و مدارک لازم از محل اعتبارات این آیین‌نامه پرداخت خواهد شد». شاید بتوان در این خصوص تفسیر دیگری نیز داشت به این نحو که اگر در قبل از تصویب این آیین‌نامه در اثر تیراندازی محیطبان شخص بی‌گناهی مقتول یا مجروح شده باشد و اداره مربوطه خسارات و دیه لازم را پرداخت نکرده باشد و پرداخت آن توسط محیطبان شخصاً انجام شده باشد خسارت یا دیه پرداختی را بتوان از محل اعتبارات مربوطه به محیطبان مسترد کرد؛ چرا که وقتی موضوعی عطف به ماسبق می‌شود قاعداً باید در

۴۱. منظور از دستگاههای مشمول مطابق با بند ۳ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیطزیست و جنگل‌بانی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور می‌باشد.

۴۲. خدیجه شیروانی و رؤیا زند و کیلی، «مسئولیت محیطبانان و جنگل‌بانان»، مجله حقوق محیطزیست، ۲، (۱۳۹۵)، ۶۹.

خصوص تمامی افرادی که در وضعیت مشابه قرار گرفته‌اند شامل شود چه کسانی که دیه یا خسارت وارده از ناحیه آنها پرداخت شده و چه کسانی که پرداخت نشده است.

از دیگر حمایت‌های قانونی در خصوص محیطبانان پس از به‌کارگیری سلاح، می‌توان به کمک‌های مالی به محیطبانانی که در انجام وظایف متحمل صدمات بدنی و ضرر و زیان مالی شده‌اند اشاره نمود که در این خصوص ماده ۴ آیین‌نامه صدرالاشاره نیز مقرر داشته است مأمورانی که در انجام وظایف مطابق قانون متحمل صدمات بدنی و ضرر و زیان مالی شده‌اند دستگاه مشمول می‌تواند به این افراد به مدت یکسال کمک مالی نماید. در واقع در این ماده نیز تلاش شده است به نحوی مقتضی حمایت‌های مالی از محیطبانان به عمل آید، یعنی اینکه اگر در اثر به‌کارگیری سلاح و یا درگیری بین محیطبانان با سایر مرتکبین، محیطبانان صدمات بدنی یا مالی ببینند دستگاه مشمول می‌تواند کمک‌های مالی به محیطبانان زیان‌دیده ارائه نماید. لازم به ذکر است مطابق با ماده ۲ قانون حمایت قضائی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیطزیست و جنگل‌بانی و همچنین ماده ۳ آیین‌نامه فوق، دستگاه‌های مشمول مکلف شده‌اند محیطبانان خود را در انجام وظایف و مأموریت در قبال حوادثی چون شهادت، فوت، بیماری صعب‌العلاج، نقص عضو و از کارافتادگی مطابق با میزان بیمه مرد مسلمان بیمه نمایند، بنابراین کمک مالی دستگاه مشمول در قبال خسارات مالی و بدنی محیطبانان مجزا و علاوه بر خسارت‌های پرداختی از طرف شرکت‌های بیمه‌گر می‌باشد. مطابق با بررسی‌های به‌عمل آمده و طبق آنچه معاون یگان حفاظت سازمان حفاظت محیطزیست کشور بیان داشته است تمامی محیطبانان کشور تحت پوشش بیمه حوادث و فوت قرار گرفته‌اند اما در خصوص احراز شهادت این افراد از طرف سازمان‌های ذیصلاح مانند بنیاد شهید و امور ایثارگران همچنان موانع و مشکلاتی وجود دارد.^{۴۳}

معاضدت و حمایت قضایی نیز یکی دیگر از حمایت‌های کیفری است که برخورداری از آن برای محیطبانان پیش‌بینی شده است به نحوی که اگر محیطبان در حال انجام وظیفه مرتکب رفتاری شود که متعاقب آن شخص یا اشخاصی علیه محیطبان اقدام به شکایت نمایند دستگاه‌های مشمول که محیطبانان مأمور یا مستخدم آنها محسوب می‌شوند مکلف‌اند از این افراد حمایت قضایی به عمل آورند به نحوی که چنانچه محیطبان در انجام وظایف اقدام به استفاده از سلاح نماید و در اثر آن شخصی مجروح یا کشته شود و متعاقباً شخص مجروح یا اولیاء دم اقدام به طرح شکایت کیفری علیه محیطبان نمایند، دستگاه مشمول مکلف‌اند از طریق کارشناسان حقوقی خود در تمامی مراحل دادرسی اقدام به ارائه خدمات حقوقی و دفاع از ایشان نمایند. این موضوع نیز در ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیطزیست و جنگل بانی مورد تأیید قرار گرفته است و علاوه بر آن، مطابق با ماده ۱ قانون حمایت قضائی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۶/۰۷/۲۹ به صراحت در خصوص شرکتها، مؤسسات و سازمان‌های دولتی مورد تأکید قرار گرفته است و با توجه به اینکه دستگاه‌هایی چون سازمان حفاظت محیطزیست و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری و منابع طبیعی کشور از دستگاه‌های دولتی به حساب می‌آیند و محیطبان نیز جز مستخدمین دولت محسوب می‌شود لذا ارائه خدمات و معاضدت حقوقی برای این قبیل افراد بلامانع می‌باشد.

نتیجه‌گیری

محیطبانان افرادی هستند که در سایه حمایت‌های مکفی قانونی می‌توانند محیطزیست و حوزه‌های مرتبط با آن را از رفتارهای مجرمانه شکارچیان مسلح غیرمجاز، جرایم زیست‌محیطی، شکار و صید بی‌رویه و امثالهم حفظ کنند. این افراد در انجام این قبیل

⁴³ . <https://snn.ir/fa/news/۱۰۴۶۸۹۴/>

امور نیازمند حمایت‌های مختلف مدنی، اداری و خصوصاً کیفری هستند. در نظام حقوق ایران حمایت‌هایی در حوزه حقوق مدنی و اداری از این افراد به عمل آمده است لیکن در زمینه حقوق کیفری جای این حمایت‌ها در نظام حقوقی ایران خالی و یا کمرنگ است. محیط‌بانان نیروهایی هستند که مشروط به طی نمودن دوره‌های آموزشی تحت نظر دادستان عمومی در شمار ضابطان دادگستری قرار می‌گیرند و طبیعی است قرار گرفتن در چنین جایگاهی و به تبع آن مقرر نمودن وظایف حفاظت از محیط‌زیست برای این افراد، مستلزم اعطای اختیاراتی از جمله حمل سلاح، استفاده از سلاح و سایر حمایت‌های کیفری است. قانونگذار ایران با تصویب قانون حمایت قضائی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگلبانی مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۲۳ تلاشی در جهت حمایت از محیط‌بانان انجام داد. این اقدام هرچند توانست تا حدودی حمایت‌های از جنس حمایت‌های مدنی و اداری را جامه عمل بپوشاند لیکن نوعی از حمایت تحت عنوان حمایت کیفری که به فراخور شغل محیط‌بانان، برخورداری از آن جزء لاینفک حمایت‌های قانونی به شمار می‌آید بسیار مغفول مانده است. مطابق با ماده یک قانون مذکور محیط‌بانان صرفاً در خصوص بندهای ۱ الی ۴ قانون به‌کارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ حق استفاده از سلاح را خواهند داشت. این امور تنها مواردی چون ۱- برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله نماید. ۲- برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون به‌کارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد. ۳- در صورتی که مأمورین مذکور مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است- ۴ برای دستگیری سارق و قاطع‌الطریق و کسی که اقدام به ترور و یا تخریب و یا انفجار نموده و در حال فرار باشد حق به‌کارگیری سلاح را دارند و در سایر امور مانند حفاظت از سلاح و مقاومت در خصوص خلع سلاح، مقاومت در خصوص شکارچیان و ممنوعیت آنها از شکار غیرمجاز، حفاظت از مقر یا پاسگاه محل خدمت، حفاظت در مقابل حمله حیوانات وحشی و ... قانون ایران در به‌کارگیری سلاح توسط محیط‌بانان ساکت است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه روح قانون مذکور به نحوی است که اصل را به عدم به‌کارگیری سلاح برای محیط‌بانان لحاظ کرده است لذا در صورت موارد ذکر شده اگر محیط‌بانان از سلاح استفاده کند نه تنها از حمایت قانونی برخوردار نخواهد شد، بلکه چالش‌های مهمی چون عدم به‌کارگیری قانونی در به‌کارگیری سلاح، عدم توانایی در ارائه ادله، عدم اثبات شرایط اضطراری در به‌کارگیری سلاح و نظایر اینها گریبان گیر محیط‌بان خواهد شد. همین موضوعات کافی است که محیط‌بان در شرایط مختلف اقدام به استفاده از سلاح نکرده یا حداقل در این تصمیم تردید داشته باشد و این موضوع می‌تواند مواردی چون آسیب دیدن محیط‌بان، وقوع جرم در محیط‌زیست و سوء استفاده‌های مجرمین محیط‌زیست را به دنبال داشته باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد، با توجه به اینکه حدود ۴ سال از تصویب و اجرای قانون حمایت قضائی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگلبانی می‌گذرد و در حال حاضر نقاط قوت و ضعف قانون مذکور مشخص شده است، قانونگذار از طریق نظرخواهی از متولیان امر، کارشناسان نهادهایی مثل منابع طبیعی و محیط‌زیست، کارشناسان حقوقی و سایر صاحب‌نظران در این زمینه، نقاط قوت و ضعف قانون مذکور را بررسی نموده و ضمن برطرف کردن ابهامات و چالش‌های آن درخصوص اختیارات محیط‌بانان در امر به‌کارگیری سلاح تجدیدنظر نماید، به‌نحوی که قانون حمایت قضائی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگلبانی مصوب ۱۳۹۹ اصلاح‌شده و بندهای «۵» «۶» «۷» «۸» و «۱۰» قانون به‌کارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ عیناً در ماده ۱ قانون حمایت قضائی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگلبانی لحاظ گردد، تا این افراد بتوانند در پناه مقرراتی روشن

وظایف خود را انجام داده و جان آنها از بسیاری از آسیب‌ها و خطرات احتمالی که شکارچیان مسلح غیرمجاز آنها را به وجود می‌آورند، حفظ شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ۱- ابراهیمی، ابوالقاسم، حسنی علیرضا و رحمانی ثانی ابوالفضل، «مروری بر قوانین حقوقی حمایتی از محیط‌بانان، حلقه مفقوده از حافظان بی‌حفاظ محیط‌زیست»، فصلنامه انسان و محیط‌زیست، ۴۱، (۱۳۹۶)، ۱۲۳-۱۳۳.
- ۲- بهرامی و دیگران، (۱۳۹۸)، «بررسی سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران در قبال جرایم تخریب محیط‌زیست»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۵، ۳، (۱۳۹۸)، ۱۳-۲۸.
- ۳- پوربافرانی، حسن، همتی، مرضیه، «نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرائم زیست‌محیطی»، مجله مجلس و راهبرد، ۸۷، (۱۳۹۵)، ۳۴۹-۳۷۳.
- ۴- حسینی، محمدجواد؛ (۱۳۹۷)، «بازبینی مفاهیم محیط‌زیستی قانون اساسی ایران و فرانسه» مجله جغرافیا و روابط انسانی، ۱، ۲ (۱۳۹۷)، ۶۵۰-۶۵۹.
- ۵- حکیمیان و دیگران، «امکان‌سنجی استفاده از قاعده احترام به‌عنوان مبنای ضمان ناشی از صدمه به محیط‌زیست»، مجله تعالی حقوق سال دوازدهم، ۱، (۱۴۰۰)، ۸۲-۱۰۹.
- ۶- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ، چهل و هشتم، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۴۰۳.
- ۷- رایجیان اصلی، مهرداد، سهامی، نعیم، «درآمدی بر حقوق بیمه جنایی در راستای سیاست جنایی بیمه مدار» مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۳، (۱۳۹۸)، ۱۴۷-۱۸۰.
- ۸- سلیمانی، الهه، «اظهارنظر کارشناسی درباره لایحه حمایت از محیط‌بانان و جنگل بانان»، مجله گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۰، (۱۳۹۶)، ۱-۱۱.
- ۹- سلیمانی، الهه، معشری، رضا، «بررسی وضعیت مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست (محیط‌بانان)»، نشریه گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)، (۱۴۰۲)، ۱-۱۹.
- ۱۰- سلیمانی، امیر، محمدی، رضوان، شادروان، محمداسماعیل، «وظایف ضابطین دادگستری در جرایم مشهود و غیر مشهود در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، مجله پژوهش ملل، ۴۵، (۱۳۹۸)، ۷۷-۸۷.
- ۱۱- شهیدی رضوی، امیرعلا، پاک‌نیت، مصطفی، «نقد و بررسی قانون به‌کارگیری سلاح در رابطه با محیط‌بانان»، فصلنامه مطالعات حقوقی، ۲۷، (۱۳۹۷)، ۱-۷.
- ۱۲- شیروانی، خدیجه، زند وکیلی، رویا، «مسئولیت محیط‌بانان و جنگلبانان»، مجله حقوق محیط‌زیست، شماره ۲، (۱۳۹۵)، ۶۶-۷۸.
- ۱۳- صالحی، محمدخلیل، افراسیابی، علی، «جایگاه و حدود اختیارات دادستان در نظام رسیدگی کیفری»، پژوهش‌های حقوق کیفری، ۲۵، (۱۳۹۷)، ۱۹۱-۲۳۰.
- ۱۴- عباسلو، بختیار، «مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری»، فصلنامه دانش انتظامی، ۴۷، (۱۳۸۹)، ۸۷-۱۳۰.
- ۱۵- عبدالهی، محسن، «حمایت کیفری از محیط‌زیست تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست‌محیطی»، مجله علوم محیطی، ۵، ۱، (۱۳۸۶)، ۹۷-۱۱۷.
- ۱۶- فخری، سید وحدت، صادقی، سالار، علیزاده، داود، «تحلیلی بر قانون به‌کارگیری سلاح در اصول حقوق کیفری»، مجله تمدن حقوقی، ۱۶، (۱۴۰۲)، ۵۳-۶۸.
- ۱۷- کاربخش، مرضیه، چالش‌های حقوق کیفری ایران در خصوص محیط‌بانان با تأکید بر لایحه قانونی حمایت از محیط‌بانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، (۱۳۹۷).

- ۱۸- لطیفان سعیده، نصری فخر داود، صدیقه، «سیاست‌گذاری محیط‌زیست در ایران، چالش‌ها و راه‌حل‌ها»، فصلنامه سیاست، ۱، (۱۳۹۷)، ۹۷-۱۲۱.
- ۱۹- مؤیدی، محمد صالح، وروایی اکبر و قاسمی مسعود، «تبیین وضعیت محیط‌بانان به‌عنوان ضابطین خاص دادگستری»، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، ۲، ۴، (۱۴۰۱)، ۱۱۳-۱۲۴.
- ۲۰- مؤیدی، محمد صالح، وروایی، اکبر، قاسمی، مسعود، (۱۴۰۱)، «سیاست جنایی تقنینی ایران در مورد پیشگیری از بزه دیدگی محیط‌بانان»، مجله مطالعات فقه اقتصادی، ۴، ۵، (۱۴۰۱)، ۳۸۳-۳۹۹.
- ۲۱- میرحسینی، سیدمجید، خامسی پور، فرسیما، «قانون حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط‌زیست در حقوق اتحادیه اروپا و ایران»، مجله راهبرد، ۷۳، (۱۳۹۳)، ۹۲-۷۳.
- ۲۲- نوری، سید فاضل، آقای، نسترن، «بازشناسی الگوی ارتباطی قاضی و ضابط قضایی در نظام رسیدگی کیفری»، مجله دانشنامه‌های حقوقی، ۱۸، (۱۴۰۲)، ۱۴۲-۱۶۶.

ب منابع خارجی

- 23- Ayling, J. What sustains wildlife crime? Rhino Horn Trading and the Resilience of Criminal Networks, International
 24- Rees, H. "Can Criminal Law Protect the Environment?", In South, Niger and Beivne Piers, Green Criminology, London, Ashgate. (2006).
 25- Shelton, D. "Common Concern of Humanity", Environmental Policy and Law (2009), Vol 2, No 39, pp. 83-102.
 26- Lazarus, R. The Making of Environmental Law. Chicago: University of Chicago Press. (2023).
 27- Van der vyer, J. D). The Environment: State Sovereignty, Human Rights and Armed Conflict, Emory International Law Review, (2009) Vol. 83, P. 85-112.
 28- John Copeland Nagle, he Environmentalist Attack on Environmental Law, Notre Dame Law School, 23, (2015).

Criminal Protection for environmentalists in the matter of using weapons

(with a critical approach to the Law on Judicial and Insurance Protection of Environmental Protection and Forestry Officers approved in 2018)

Abstract

According to Article 15 of the Protection and Improvement Law approved on 28/03/1974, environmentalists are considered special bailiffs of the judiciary, but compared to general bailiffs, they do not enjoy the necessary legal protections, especially in the area of using weapons. This issue is so noticeable that in 2010, the legislature passed the Law on Judicial and Insurance Protection of Protection Unit Officers in order to fill this gap. In addition to re-emphasizing that Environmental Protection Unit officers are bailiffs, it agreed to the use of weapons by these individuals within the scope of paragraphs "1", "2" and "3" of Article 3 of the Law on the Use of Weapons approved in 1373. The legislator's attention to criminal protection of environmentalists is not sufficient, and cases such as the use of weapons in environmental patrols, preventing the escape of illegal hunters or environmental crime criminals, the use of weapons in confrontation with smugglers, etc. are among the controversial challenges of this group of judicial officers due to the lack of sufficient protection in the field of criminal law for environmentalists.

In this study, an attempt is made to examine the criminal protection of environmentalists in the Iranian legal system using a descriptive-analytical method and library resources, and in this regard, identify existing legal obstacles and challenges and provide solutions to overcome them. Expanding the powers of environmentalists in the use of weapons to the necessary arrangements for criminal

proceedings and also enjoying legal assistance can be considered examples of criminal protection for environmentalists.

Key words: Environment, ranger, criminal protection, use of weapons, law